

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فقه ۲

سطح ۲

درس ۲۶

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین امینی
آموزشیار: آقای خادمی

مقدمه

در ادامه مباحث کتاب الصلوات پس از آن که به مسائل مربوط به نماز مسافر از قبیل شرائط و مستندات آن پرداختیم و در درس گذشته مباحث پایانی آن را که بحث قواطع سفر بود مطرح کردیم، یکی از قواطع سفر قصد اقامت ده روز یا بیشتر در بین سفر بود که شرایطی هم چون؛ قصد اقامت، پیوسته بودن ده روز و وحدت مکان در آن بررسی شد، بحث دیگر این بود که اگر کسی تا سی روز به صورت مردد در جایی بماند مسافر است و باید نماز را قصر بخواند و بعد از سی روز تکلیف او اتمام نماز است، هر چند بداند که دیگر در آن جا نخواهد ماند، و در آخر اشاره‌ای به بحث نماز جماعت داشتیم و اجمالاً شرایط آن را مثل این که جماعت در نمازهای واجب است، و با حداقل دو نفر تشکیل می‌شود، و شرط درک جماعت رسیدن مأموم به امام قبل از سر برداشتن از رکوع است، و امام باید عادل باشد و قرائت او صحیح باشد، و این که اگر مأموم مرد باشد امام هم باید مرد باشد ذکر کردیم. در این درس به توضیح و استدلال شرایط نماز جماعت می‌پردازیم.

متن عربى

و المستند فى ذلك:

١. أما استحباب الجماعة فى الجملة، فمما لا اشكال فيه؛ و انما الاشكال فى وجود عموم يمكن به اثبات مشروعيتها فى جميع الصلوات الواجبة بحيث يحتاج الخروج عنه الى مخصص.

و احسن ما يمكن التمسك به صحيحة زرارة و فضيل: «قلنا له: الصلاة فى جماعة فريضة هي؟ قال: الصلاة فريضة و ليس الاجتماع به مفروض فى الصلوات كلها و لكنه سنة. من تركها رغبة عنها و عن جماعة المؤمنين من غير علة فلا صلاة له»، بتقريب ان جملة «ولكنه سنة» عطف على «بمفروض». و التقدير: و ليس الاجتماع بمفروض و لكنه سنة فى الصلوات كلها؛ و هذا يدل على ثبوت العموم الافرادى لها.

و دعوى الانصراف الى خصوص اليومية لا يتناسب جملة «فى الصلوات كلها».

٢. و أما استثناء صلاة الطواف، فلما ذكره الشيخ النائينى و آخرون من عدم معهودية الاتيان بصلاة الطواف جماعة، بل لم ينقل ذلك عن النبى صلى الله عليه و آله و سلم فى حجة الوداع بالرغم من نقل كثير من خصوصيات تلك الحجة، و ذلك يدل على عدم مشروعيتها فيها، و يكون بمثابة المخصص المتصل.

٣. و أما عدم مشروعيتها فى النافلة، فللقصور فى المقتضى بقريضة التعبير بجملة «الصلاة فريضة».

مضافا الى عدم معهودية ذلك زمن النبى صلى الله عليه و آله و سلم رغم شدة اهتمامه بالجماعة.

أجل فى خصوص نوافل شهر رمضان جوز الخليفة الثانى الجماعة فيها و استمر ذلك الى يومنا.

و قد جاءت صحيحة الفضلاء عن الامامين الباقر و الصادق عليهما السلام: «ان الصلاة بالليل فى شهر رمضان من النافلة فى جماعة بدعة» ناظرة الى ذلك.

و قد ورد فى الحديث أن امير المؤمنين عليه السلام فترة خلافته حاول الردع عن ذلك فضج الناس بندا «وا عمراه وا عمراه» فتنازل عليه السلام و قال: «صلوا»، كما ورد ذلك فى موثقة الساباطى، او نادى بعض عسكر الامام عليه السلام: «يا اهل الاسلام غيرت سنة عمر»، كما ورد فى رواية سليم بن قيس الهلالي.

٤. و أما التقييد بالاصلية، فلان ما كان فريضة بالاصل مشمول لجملة «الصلاة فريضة»، اذ المنصرف منها ما كان فريضة بالاصل.

٥. و أما انعقادها باثنين، فلصحيح زرارة: «قلت لأبى عبد الله عليه السلام: الرجلان يكونان جماعة؟ فقال: نعم، و يقوم الرجل عن يمين الرجل».

٦. و أما عدم اعتبار نية الامام الامامة، فلا يمكن التمسك له باطلاق صحيح زرارة و فضيل المتقدم، لانه ناظر الى العموم الافرادى دون الاحوالى؛ بل لان ذلك لو كان معتبرا لنبه عليه لكثرة الابتلاء بذلك، بل قد يقال بامكان اجراء البرائة عن اعتبار ذلك.

دلیل استحباب نماز جماعت

مستحب بودن نماز جماعت از مسائل روشن فقه است و بحثی در آن نیست. البته دانستیم که استحباب آن اختصاص به نمازهای واجب دارد، مگر مورد خاص مثل نماز باران که با دلیل خاص از قاعده استثناء شده است. برای اثبات استحباب نماز جماعت در تمام نمازهای واجب، باید ببینیم عمومی وجود دارد تا با استفاده از آن جایز بودن جماعت را در تمام نمازهای واجب ثابت کنیم، به گونه‌ای که اگر نماز واجبی داشته باشیم که این قاعده شامل آن نمی‌شود، عدم شمول آن نیاز به دلیل خاص داشته باشد، مانند نماز طواف که با دلیل مخصوص از این قاعده خارج شده است.

عموم استحباب جماعت در نمازهای واجب

صحیح زرارہ و فضیل

در روایتی که زرارہ و فضیل از امام صادق علیه السلام نقل کرده اند آمده است: به امام عرض کردیم آیا به جماعت خواندن نماز، واجب است؟ حضرت فرمودند: آن چه واجب است نماز است، و به جماعت خواندن، در تمام نمازها مستحب است. اگر کسی آن را به جهت بی اهمیتی نسبت به آن و به جماعت مسلمین ترک کند، نماز ندارد.^۱

۱. با توجه به اهمیت نماز جماعت به چند روایت دیگر در این خصوص اشاره خواهیم کرد:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: ان الله و ملائكتہ يصلون على الذين يصلون الصفوف الاول.

«خدا و فرشتگانش بر کسانی که صف‌های اول- نماز جماعت- را بهم پیوند می‌دهند، درود می‌فرستند». «کنز العمال/ج ۷/ص ۶۳۳/حدیث ۲۰۶۲۹».

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: ان الشيطان ذئب الانسان كذئب الغنم ياخذ الشاه القاصيه و الناحيه فياكم و الشعاب و عليكم بالجماعه و العامه و المسجد.

«شیطان گرگ انسان است، همانند گرگ گوسفندان که همیشه میش‌های دور افتاده و کناره گیر را می‌گیرد. پس، از دسته بندی‌ها (گروه گزائی و خط بازی) به پرهیزید و بر شما باد به حضور در جماعت و مجالس عمومی و مسجد». «کنز العمال/ج ۷/ص ۵۸۱/حدیث ۲۰۳۵۵».

ان رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم قال: لا صلاه لمن لا يصلی فی المسجد مع المسلمین الا من عله و لا غيبه الا لمن صلى فی بيته و رغب عن جماعتنا و من رغب عن جماعه المسلمین سقطت عدالته و وجب هجرته.

«کسی که بدون هیچ عذری-نماز خود را همراه دیگر مسلمانان در مسجد نمی‌خواند نمازش مقبول نیست و غیبت احدی جایز نیست مگر کسی که نمازش را در خانه می‌خواند- و در جماعت حاضر نمی‌شود - و به حضور در اجتماع مسلمین بی رغبت است و هر آنکس که چنین باشد از عدالت ساقط و دوری از او واجب می‌باشد». «وسائل الشیعه/ج ۵/ص ۳۹۴».

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: ليتنهين اقوام لا يشهدون الصلاه او لامرن مؤذنا يؤذن ثم يقيم ثم امر رجلا من اهل بيتي - و هو على عليه السلام - فليحرقن على اقوام بيوتهم به حزم الحطب لانهم لا ياتون الصلاه.

«آن‌ها که در نماز جماعت حاضر نمی‌شوند لازم است از اینکار خودداری کنند و گرنه دستور خواهیم داد مؤذن اذان و اقامه بگویند. آنگاه- پس از اقامه جماعت- یکی از اهل بیت خود را (که علی علیه السلام باشد) فرمان می‌دهم تا خانه‌های کسانی را که در جماعت حاضر نشده اند، با بسته‌های هیزم به آتش کشد». «وسائل الشیعه/ج ۵/ص ۳۷۶».

عن النبي صلى الله عليه وآله وسلم انه قال: ان سئلت عمن لم يشهد الجماعه فقل: لا اعرفه.

«اگر درباره کسی که به نماز جماعت حاضر نمی‌شود از تو سؤال نمودند، بگو من او را نمی‌شناسم». «محجه البيضاء/ج ۱/ص ۳۴۲»

تقریب استدلال

استدلال به این روایت برای مستحب بودن نماز جماعت در تمام نمازها به این بیان است: باید جمله «ولکنه سنه» را به جمله «بمفروض» عطف کنیم. در این صورت معنی روایت این می‌شود: نماز جماعت واجب نیست، اما در همه نمازها مستحب است. با این بیان می‌توانیم تعلیل در این روایت استفاده عموم افرادی کنیم، یعنی این روایت عام است و عموم آن شامل تمام افراد نماز می‌شود.

اشکال

اگر کسی به این استدلال اشکال کرده و بگوید: با توجه به سیاق عبارت و سؤال راویان، بیان امام علیه السلام انصراف به نمازهای واجب یومیه دارد؛ لذا نمی‌توان از آن استفاده عموم افرادی نمود، پس شامل همه نمازها نمی‌شود.

پاسخ

آن چه در بیان امام علیه السلام وارد شده عبارت «فی الصلوات کلها (در همه نمازها)» است، و نمی‌توان گفت منظور از تمام نمازها فقط نمازهای واجب یومیه است، لذا مراد تمام نمازها است و صراحت عبارت در این معنی روشن است.

دلیل موارد استثناء نماز از جماعت

نماز طواف

علتی که مصنف برای تخصیص این نماز ذکر می‌کند عبارت برخی از علما مثل مرحوم نائینی است، از بیان ایشان می‌توان دو دلیل برداشت کرد:

دلیل اول

به جماعت خواندن نماز طواف بین مسلمین سابقه ندارد، و موردی یافت نمی‌شود که کسی نماز طواف را به جماعت خوانده باشد.

دلیل دوم

در مورد آخرین حج پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، روایات زیادی وارد شده که به نقل خصوصیات آن پرداخته‌اند. اما در بین این روایات اشاره‌ای نشده که حضرت نماز طواف را به جماعت خوانده باشند؛ لذا می‌توان استفاده کرد که به جماعت خواندن نماز طواف جایز نبوده است، در غیر این صورت با توجه به جماعت شرکت کننده در این حج که همراه حضرت بودند و اهمیت نماز طواف باید به جماعت برگزار می‌شد.

با توجه به بیان مرحوم نائینی در مورد عدم مشروعیت جماعت در نماز طواف، مورد از مواردی می‌شود که مخصص در حکم مخصص متصل است. یعنی با این که مخصص متصل نیست اما حکم آن را دارد، و همان طور که اگر بعد از ذکر عام مخصص وارد شود موجب تخصیص عام در آن مورد می‌شود، در این جا هم عدم

مشروعیت جماعت در نماز طواف در حکم مخصوصی است که عموم جواز جماعت در تمام نمازها را تخصیص می‌زند.

نمازهای مستحب

یکی دیگر از موارد که از عموم جواز جماعت در نماز تخصیص می‌خورد نمازهای مستحب است. برای اثبات این مطلب می‌توان به دو دلیل استناد کرد:

الف: صحیحۀ زرارہ

در صحیحۀ زرارہ که عموم جواز جماعت را از آن استفاده کردیم، امام علیه السلام در جواب فرمودند: «الصلاة فریضة» و در ادامه فرمودند: و جماعت مستحب است. از این بیان به روشنی فهمیده می‌شود این روایت در مورد نمازهای واجب است؛ لذا نمی‌تواند مستند برای جواز جماعت در نمازهای مستحب باشد، و به عبارت دیگر این دلیل اقتضای جماعت در نمازهای واجب را دارد، و شامل نمازهای مستحب نمی‌شود.

ب: سیرۀ پیامبر

با بررسی سیرۀ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم به دست می‌آوریم به جماعت خواندن نماز مستحب در عصر آن حضرت سابقه نداشته، و این بیان کننده عدم جواز است. چون اگر جائز بود با توجه به اهمیتی که حضرت نسبت به نماز جماعت داشتند باید در مورد نمازهای مستحب هم به آن عمل می‌کردند.

یک بدعت^۱

۱. بدعت بنیان نهادن عقیده یا عملی از پیش خود به نام دین.

بدعت عبارت است از نوآوری عقیده یا عملی در حوزه دین بدون استناد به منابع پذیرفته شده در استنباط احکام، همچون قرآن و سنت معصومان علیهم السلام که از آن به تشریح در دین نیز تعبیر می‌شود. مقابل بدعت، «سنت» قرار دارد که عبارت است از مجموعه عقاید، اخلاقیات و احکام عملی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام، پایه‌گذاری کرده‌اند. حرمت بدعت از مسلمات شریعت مقدس اسلام و ضروری دین است؛ بلکه بدعت در حوزه عقاید گاه موجب کفر و شرک می‌گردد، مانند قول به تجسم ذات خداوند متعال یا حلول او در کسی. روایات بسیاری در نکوهش بدعت وارد شده است. مضمون برخی از آنها این است که: «هر بدعتی گمراهی، و فرجام هر گمراهی‌ای آتش است»؛ «هیچ بدعتی نهاده نشده مگر آنکه در کنار آن سنتی ترک شده است».

کتاب دربر دارنده بدعت از کتابهای ضالّه است، که هرگونه کسب با آن به فروختن، اجاره یا عاریه دادن و جز آنها، حرام و از بین بردن آن واجب است. بعضی مصادیق روشن بدعت عبارت است از: اذان دوم یا سوم در روز جمعه، گفتن جمله «الصلاة خیر من النوم» در اذان صبح؛ خواندن نوافل شبهای ماه رمضان به جماعت، تقلّم خطبه‌ها بر نماز در نماز عید فطر و قربان و نیز بنیان نهادن قیاس، استحسان و مصالح مرسله به عنوان ادلّه استنباط احکام شرعی.

مقابله با بدعت به اظهار علم، بر عالمان دینی، واجب و کتمان علم، جز در موارد تقیه و خوف حرام است. در روایات آمده است: «اگر عالم، به رویارویی با بدعتها بر نخیزد و دانش خود را - به منظور روشن کردن افکار عمومی - عرضه نکند، دچار نفرین خداوند می‌شود».

بیزاری جستن از بدعت گذاران و ترک تعظیم آنان و نیز بر حذر داشتن مردم از نزدیک شدن و ارتباط با ایشان، واجب است. از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که: «چنانچه پس از من با بدعت گذاران برخورد کردید، از آنان بیزاری بجوید و آنان را بسیار دشنام دهید و به بدی یاد کنید تا در اسلام طمع فسادانگیز نورزند و نیز مردم را از ایشان بر حذر دارید که تحت تأثیر بدعتهای آنان قرار نگیرند». در حدیثی دیگر آمده است: «هرکس نزد بدعت‌گذاری برود و او را تعظیم نماید، سعی در نابودی اسلام کرده است».

منبع: فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ج ۲، ص: ۷۶.

در زمان خلیفه دوم بدعتی در جامعه اسلامی نهاده شد و آن به جماعت خواندن نمازهای مستحب در شب‌های ماه رمضان است که در حال حاضر هم در میان اهل سنت متداول است.^۱

ائمه معصومین علیهم السلام در طول زمان حیات مبارک خود نسبت به بدعت بودن آن عکس العمل‌هایی نشان می‌داند تا مسلمین آگاه شوند، به دو نمونه از روایاتی که در این زمینه وارد شده‌اند اشاره می‌کنیم:

صحیحۀ فضلاء از امامین علیهما السلام

از امام باقر و امام صادق علیهما السلام نقل شده که در عدم جواز این نماز فرموده‌اند: «به جماعت خواندن نمازهای نافله شب‌های ماه رمضان بدعت است». این روایت با صراحت به بدعت بودن آن اشاره کرده است.

روایت عمار ساباطی

در روایت عمار ساباطی از امیر المؤمنین علیه السلام نقل شده، حضرت در زمان خلافت خود خواستند این بدعت را از بین برده و مردم را از آن نهی کنند، ولی مردم قبول نکرده و ندای «وای عمر» سر دادند و اعلام کردند که حاضر به قبول حق نیستند، حضرت با مشاهده این عکس العمل مردم فرمودند، بخوانید.

روایت سلیم بن قیس هلالی

در روایت سلیم بن قیس هلالی هم به مضمون روایت قبل اشاره شده با این عبارت که: وقتی حضرت خواستند مردم را از انجام آن نماز نهی کنند برخی از سپاهیان حضرت ندا کردند که ای مردم سنت عمر تغییر پیدا کرد.

تطبیق

و المستند فی ذلک:

مستند این مسائل:

۱. أما استحباب الجماعة فی الجملة، فمما لا اشکال فیه؛ و انما الاشکال فی وجود عموم یمکن به اثبات مشروعیتها فی جمیع الصلوات الواجبة بحیث یحتاج الخروج عنه الی مخصص.

۱. تراویح لغتی عربی است و به نمازهایی اطلاق می‌شود که مسلمانان سنی در شب‌های ماه رمضان به جماعت می‌خوانند. این نماز پس از نماز عشاء خوانده می‌شود. در بین اهل سنت رسم است که هر شب یک جزء قرآن را در این نمازها تلاوت کنند تا در پایان ماه رمضان، قرآن ختم شود. نماز تراویح بیست رکعت است اما پس از هر دو رکعت سلام داده می‌شود، که پس از هر چهار رکعت استراحت (ترویحه) انجام می‌شود و از این رو آنرا نماز تراویح مینامند. ترویحه، وقفه کوتاهی است که از آن برای خواندن دعا یا اذکار استفاده می‌شود. نماز تراویح در مساجد اهل سنت در کشورهای مختلف برگزار می‌شود. هر ساله در ماه رمضان جمعیت بسیاری برای شرکت در نماز تراویح مسجدالحرام در مکه و مسجد نبوی در مدینه جمع می‌شوند. اهل سنت عقیده دارند که نماز تراویح، سنت محمد پسر عبدالله، است. از نظر اهل سنت نخستین کسی که نماز تراویح خواند، پیامبر اسلام بوده است و مسلمانان به او اقتدا می‌کرده‌اند. از نظر اهل سنت، نماز تراویح مستحب است و به همین دلیل قطع طواف و سعی برای تراویح جایز نیست. در فقه سنی نماز تراویح را می‌توان فرادا و یا به جماعت خواند و ختم قرآن در آن هم واجب نیست. از نظر شیعیان نماز تراویح، همان نماز وتر و یا نماز تجمه است «در کل نافله» که در ماه رمضان و غیر از آن مستحب و سنت است. شیعیان اعتقاد دارند که خواندن نماز مستحب به جماعت صحیح نیست. بر اساس بحارالانوار، نخستین کسی که دستور به جماعت در تراویح داد عمر بن خطاب بود. شیعیان معتقدند که جماعت در تراویح بدعت است. و علی بن ابی طالب علیه السلام همواره یاران و پیروانش را از این نماز باز می‌داشته است. از محمد باقر و جعفر صادق علیهما السلام نقل شده که: «همانا که انجام نافله جماعت در رمضان بدعت است. ای مردم آگاه باشید که انجام عبادتی کوچک برطبق سنت بهتر است از انجام عبادتی بزرگ اما با بدعت است».

اما مستحب بودن نماز جماعت اجمالا، از مسائلی است که اشکالی در آن نیست؛ و اشکال در وجود داشتن عمومی است که با آن ممکن باشد اثبات مشروعیت جماعت در تمام نمازهای واجب به گونه‌ای که خروج از آن (عموم) نیاز به مخصص داشته باشد.

و احسن ما يمكن التمسك به صحيحة زرارة و فضيل:

بهترین چیزی که ممکن است به آن تمسک کرد صحیحه زراره و فضیل است:

«قلنا له: الصلاة في جماعة فريضة هي؟ قال: الصلاة فريضة و ليس الاجتماع بمفروض في الصلوات كلها و لكنه سنة. من تركها رغبة عنها و عن جماعة المؤمنين من غير علة فلا صلاة له^۱».

به حضرت عرض کردیم: آیا نماز جماعت واجب است؟ فرمود: نماز واجب است اما جماعت در تمام نمازها واجب نیست، بلکه مستحب است. هرکس به جهت روی گرداندن از آن و از جماعت مومنان و بدون عذر آن را ترک کند (گویا) نماز نخوانده است.

بتقریب ان جمله «ولكنه سنة» عطف علی «بمفروض». والتقدير: وليس الاجتماع بمفروض و لكنه سنة في الصلوات كلها؛ و هذا يدل على ثبوت العموم الافرادى لها.

با این بیان که جمله «و لكنه سنة» عطف باشد به «بمفروض» لذا تقدیر این می‌شود: جماعت واجب نیست ولی مستحب است در تمام نمازها؛ و این دلالت می‌کند بر ثبوت عموم افرادی برای آن (افراد نماز واجب).

و دعوى الانصراف الى خصوص اليومية لا يتناسب جملة «في الصلوات كلها».

و ادعای انصراف نمازهای واجب به نمازهای یومیه فقط، با جمله «فی الصلوات كلها (در تمام نمازها)» مناسب نیست.

۲. و أما استثناء صلاة الصلوات، فلما ذكره الشيخ النائيني و آخرون من عدم معهودية الاتيان بصلاة الطواف جماعة.

اما استثناء نماز طواف، به خاطر مطلبی است که شیخ نائینی و دیگران ذکر کرده که به جماعت خواندن نماز طواف معهود نیست.

بل لم ينقل ذلك عن النبي صلى الله عليه و آله و سلم في حجة الوداع بالرغم من نقل كثير من خصوصيات تلك الحجة، و ذلك يدل على عدم مشروعيتها فيها، و يكون بمثابة المخصص المتصل^۲.

بلکه آن از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حجه الوداع نقل نشده، با این که خصوصیات زیادی از آن حج نقل شده است، و این دلالت دارد بر مشروع نبودن جماعت در نماز جماعت، و به منزله مخصص متصل است.

۳. و أما عدم مشروعيتها في النافلة، فللقصور في المقتضى بقريئة التعبير بجملة «الصلاة فريضة».

اما مشروع نبودن جماعت در نمازهای مستحب، به خاطر کوتاهی مقتضی (جواز جماعت) است (در نمازهای مستحب) به قرینه جمله «الصلاة فريضة (نماز واجب است)».

۱. المصدر: باب ۱ من ابواب صلاة الجماعة، حديث ۲.

۲. كتاب الصلاة، تقرير بحث الشيخ النائيني للشيخ الكاظمي: ۳۶۰/۲.

مضافا الى عدم معهودية ذلك زمن النبي صلى الله عليه وآله وسلم رغم شدة اهتمامه بالجماعة.

علاوه بر این که آن در زمان پیامبر صلى الله عليه وآله و سلم نیز معهود نبوده با این که حضرت به جماعت خیلی اهمیت می دادند.

أجل في خصوص نوافل شهر رمضان جوز الخليفة الثاني الجماعة فيها و استمر ذلك الى يومنا.

بله در مورد نمازهای مستحب ماه رمضان خلیفه دوم به جماعت خواندن را جایز دانسته است و تا زمان حاضر هم ادامه دارد.

و قد جاءت صحيحة الفضلاء عن الامامين الباقر و الصادق عليهما السلام: «ان الصلاة بالليل في شهر رمضان من النافلة في جماعة بدعة»^۱ ناظره الى ذلك.

و صحيحه فضلا از امام باقر و صادق عليهما السلام وارد شده: «به جماعت خواندن نماز شبهای ماه رمضان که از نمازهای مستحب است، بدعت است» نظر بر این مطلب دارد.

و قد ورد في الحديث أن امير المؤمنين عليه السلام فترة خلافته حاول الردع عن ذلك فضج الناس بنداء «وا عمراه وا عمراه» فتنازل عليه السلام و قال: «صلوا»، كما ورد ذلك في موثقة الساباطي^۲.

و در روایت وارد شده که امیر المؤمنین علیه السلام در زمان خلافت خود از آن نهی کرد، و مردم با ناله گفتند: «وا عمراه وا عمراه» پس حضرت هم کوتاه آمد و فرمود: «بخوانید»، همان گونه که در موثقه ساباطی وارد شده است.

او نادى بعض عسكر الامام عليه السلام: «يا اهل الاسلام غيرت سنة عمر»، كما ورد في رواية سليم بن قيس الهلالي^۳. و يا این که بعضی از لشکریان امام علیه السلام ندا کردند: «ای اهل اسلام سنت عمر تغییر کرد»، همان گونه که در روایت سلیم بن قیس هلالی وارد شده است. SCO۱۰۲۰:۲۰

دلیل انحصار مشروعیت جماعت در نمازهای واجب اصلی

فقط نمازهای واجب اصلی را می توان به جماعت خواند. یعنی نمازهایی که با دلیل خاص و بالاصاله واجب شده اند، در مقابل نمازهایی که وجوب آنها اصلی نیست، بلکه به خاطر چیز دیگری مثل نذر یا قسم واجب شده اند.

این مطلب را می توان از تعبیر «الصلاة فريضة» در صحیح زراره و فضیل استفاده کرد. چون انصراف نماز واجب در نمازهایی واجب اصلی بوده و در نمازهای واجب دیگر تعبیر فريضة به کار نمی رود.

دلیل اعتبار وجود حداقل دو نفر در تحقق جماعت

صحیح زراره

۱. وسائل الشیعة: باب ۱۰ من ابواب نافلة شهر رمضان، حدیث ۱.

۲. المصدر: باب ۱۰ من ابواب نافلة شهر رمضان، حدیث ۲.

۳. المصدر: باب ۱۰ من ابواب نافلة شهر رمضان، حدیث ۴.

زراره از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: به امام عرض کردم آیا دو نفر می‌توانند نماز جماعت بر پا کنند؟ حضرت در جواب فرمودند: بله، و باید یکی در سمت راست دیگری قرار بگیرد.

دلیل عدم لزوم نیت جماعت توسط امام

دلیل اول: عموم احوالی صحیحۀ زراره و فضیل

با تمسک به عموم احوالی صحیحۀ زراره و فضیل، لازم نبودن آن را استفاده می‌کنیم. یعنی عموم این روایت شامل حالات مختلف از جمله حالتی که امام نیت جماعت نکرده است می‌شود.

رد دلیل اول

با توجه سیاق روایت که مربوط به نمازها است و حضرت هم در آن فرمودند که جماعت در تمام نمازها مستحب است روشن می‌شود، این روایت فقط عموم افرادی^۱ دارد، لذا استفاده عموم احوالی از آن امکان ندارد، چون قرینه‌ای بر امکان عموم احوالی^۲ در آن موجود نیست.

دلیل دوم: عدم وصول بیان

با توجه به این که در عصر معصومین علیهم السلام، نماز به جماعت بر پا می‌شده و مسلمین در شبانه روز چند بار در آن شرکت می‌کردند، اگر لازم بود که امام نیت جماعت داشته باشد باید نسبت به آن اشاره‌ای در بیان آن حضرات می‌شد؛ لذا چون دلیلی در رابطه با لزوم قصد جماعت برای امام وارد نشده می‌فهمیم معتبر نبوده است.

دلیل سوم: برائت

در مورد این که امام باید نیت جماعت کند، شک می‌کنیم و چون دلیلی بر اثبات آن نداریم اصل برائت در این جا جاری می‌شود. «FG»

۱. عام افرادی، مقابل عام احوالی بوده و به عامی گفته می‌شود که شمول و سریان آن به حسب افرادش لحاظ می‌شود، مانند: «اکرم کل فقیه» که حکم اکرام بر روی تک تک افراد فقیه رفته است؛ در مقابل مواردی که شمول آنها نسبت به افراد، لحاظ نمی‌شود.

۲. عامی که شمول و سریان آن به حسب احوال افرادش می‌باشد، عام احوالی نام دارد، مانند: «اکرم زیدا»، که حکم اکرام به زید تعلق گرفته است و چون زید یک فرد بیشتر نیست نمی‌توان شمول افرادی را برای او تصور کرد، ولی چون حالات متفاوتی دارد، شمول نسبت به حالات او لحاظ شده و اکرام زید در هر حالتی، مورد توجه مولا است، چه در حال فقر چه در حال غنا، و چه در حال عدالت چه در حال فسق و چه غیر آنها.

- ادله برخی از احکام جماعت
۱. استحباب اجمالی جماعت: اتفاق اصحاب.
 ۲. استحباب جماعت برای عموم نمازهای واجب: صحیح زراره و فضیل.
 ۳. استثناء نماز طواف از مشروعیت جماعت: عدم معهودیت و عدم نقل آن در حجة الوداع.
 ۴. عدم مشروعیت جماعت نمازهای نافله: قصور مقتضی تعبیر «الصلاه الفریضه».
 ۵. انحصار مشروعیت جماعت به نمازهای واجب اصلی: انصراف ادله به آن.
 ۶. انعقاد جماعت با حضور دو نفر: صحیح زراره.
 ۷. عدم اعتبار نیت جماعت توسط امام: عدم وصول بیان و قاعده برائت.

تطبيق

۴. و أما التقييد بالاصلية، فلان ما كان فريضة بالاصل مشمول لجملة «الصلاة فريضة»، اذ المنصرف منها ما كان فريضة بالاصل.

اما مقيد شدن جماعت به قيد اصلی بودن، به خاطر اين است که هر نمازی که بالاصاله واجب باشد شامل جمله «الصلاة فريضة (نماز واجب است)» می شود، چون آن چه از آن به ذهن می رسد نمازی است که بالاصاله واجب است.

۵. و أما انعقادها باثنين، فلصحيح زرارة: «قلت لأبي عبد الله عليه السلام: الرجلان يكونان جماعة؟ فقال: نعم، و يقوم الرجل عن يمين الرجل»^۱.

اما اين که نماز جماعت با دو نفر منعقد می شود، به خاطر صحيح زراره است: «به امام صادق عليه السلام عرض کردم: آیا با دو مرد جماعت منعقد می شود؟ فرمود: بله، و یکی در سمت راست دیگری قرار می گیرد».

۶. و أما عدم اعتبار نية الامام الامامة، فلا يمكن التمسك له باطلاق صحيح زرارة و فضيل المتقدم، لانه ناظر الى العموم الافرادى دون الاحوالى؛

اما معتبر نبودن اين که امام نیت امامت کند، به خاطر اين است که تمسک به اطلاق صحيح زراره و فضیل در مورد آن ممکن نیست، چون روایت نظر به عموم افرادی دارد نه عموم احوالی؛

بل لان ذلك لو كان معتبرا لثبته عليه لكثرة الابتلاء بذلك، بل قد يقال بامكان اجراء البرائة عن اعتبار ذلك.

بلکه اگر (این که امام قصد جماعت کند) معتبر بود، نسبت به آن آگاهی داده می شد، بلکه گفته می شود امکان اجراء اصل برائت از معتبر بودن آن وجود دارد. SCO ۲۸: ۰۰

۱. المصدر: باب ۴ من ابواب احکام الجماعة، حديث ۱.

چکیده

۱. برای اثبات مشروع بودن جماعت در نمازهای واجب نیاز به یک عام داریم که شامل تمام افراد آن باشد.
۲. صحیحه زراره و فضیل، بهترین روایتی است که از آن می‌توان عموم مشروعیت جماعت در تمام نمازهای واجب را استفاده کرد.
۳. نماز طواف از نمازهای واجبی است که به دو دلیل از استحباب جماعت استثناء شده، اول: به جماعت خواندن آن در میان مسلمانان سابقه نداشته است. دوم: در اخباری که در مورد آخرین حج پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم وارد شده، به آن اشاره نشده است.
۴. نمازهای مستحب را به دو دلیل نمی‌توان به جماعت خواند: اول؛ در زمان پیامبر سابقه نداشته، دوم؛ اقتضای و عموم استحباب جماعت در روایت، استحباب آن در نمازهای واجب است و شامل مستحب نمی‌شود.
۵. به جماعت خواندن نماز مستحب شب‌های ماه رمضان، بدعتی است که از زمان خلیفه دوم در میان اهل سنت جاری است.
۶. ائمه معصومین علیهم السلام در روایات مختلفی از جماعت خواندن نماز مستحب شب‌های ماه رمضان نهی کرده‌اند.
۷. عموم استحباب نمازهای واجب در جماعت، فقط شامل نمازهای واجب اصلی می‌شود.
۸. حداقل افرادی که می‌توانند نماز جماعت اقامه کنند دو نفر است.
۹. در نماز جماعت لازم نیست امام نیت جماعت داشته باشد.